



## بحث: آیا برای انسان واجب است که اضطرار دیگران را رفع کند؟

این سوال را در چند حوزه متفاوت باید بررسی کرد، نخست: آن صورتی که فرد مضطر مسلمان است در مقابل آن صورتی که فرد مضطر مسلمان نیست (ذمی یا غیر ذمی)، دوّم: آن جایی که اضطرار دیگری به سر حدّ مرگ منتهی می شود در مقابل اضطراری که به این مرحله نرسد، و سوم: حوزه ای که رفع اضطرار از دیگری، موجب ضرر یا عسر و حرج برای کمک کننده شود؛ و چهارم: صورتی که رفع اضطرار از دیگری موجب ارتکاب حرام توسط فرد کمک کننده شود.

پنجم: توجه به اینکه اضطرار در دیگری ممکن است در مال یا آبرو و یا جان آن فرد دیگر واقع شود. برای فهم بهتر حکم شرعی، لازم است به عبارت فقها رجوع کنیم:

یک) مفتاح الکرّامه:

«فرع قال فی «المبسوط إذا خاف وقوع حائط جاز له أن يأخذ جذع غيره بغير أمره فيسندة بلا خلاف. و فی «الشرائع و المختلف» فی دعوی الإجماع نظر، لأنّه تصرف فی مال الغير بغير إذنه فلا یکون سائغا. و اقتصر المصنّف فیما یأتی علی نسبة الحكم إلى القیل. و ظاهر «الدروس» موافقته و العمل به، قال: نقل الشيخ فيه الإجماع، و حينئذ فالأقرب ضمان عينه و أجرته و إن انتفی الإثم. و لعلّه لا وجه للمناقشة له و قولهم «أن لا موافق له» و هو متّجه مقطوع به فیما إذا خيف وقوعه علی نفس محترمة بحيث لا یندفع إلّا به، لجواز إتلاف مال الغير لحفظ النفس، فإتلاف منفعتة أولى. و هذا مراد الشيخ، و هو إجماعی بین المسلمین، و به يشعر تعليله حيث قال: إنّ مراعاة المصالح الكلّیة أولى من الجزئية مع التعارض، و ما كان لیرید ذلك بدون ذلك مع دلالة العقل و النقل علی المنع من التصرف فی مال الغير بغير إذنه بدون حفظ النفس. و لعلّه لمّا كان ظاهره نفی الخلاف بین المسلمین سمّوه إجماعاً.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. شیخ در مبسوط می نویسد: اگر کسی می ترسد که دیوار بریزد، می تواند تنه درخت را بدون اینکه از

۱. مفتاح الکرّامه فی شرح قواعد العلامة (ط - الحدیثه)، ج ۱۸، ص ۲۸۲.



صاحب آن اجازه بگیرد (یا صاحب آن گفته باشد) بردارد و دیوار را به آن تکیه دهد و این میان مسلمین مخالف ندارد.

۲. بر این مطلب ادعای اجماع شده است، ولی شرایع و مختلف در اینکه چنین اجماع مطرح باشد، تشکیک کرده اند. دلیل شرایع و مختلف آن است که این کار تصرف مال غیر بدون اذن (جذع) است و این جایز نیست.

۳. مصنف (علامه در قواعد) در عبارت های بعدی، اقتصار کرده و این حکم (جواز برداشتن تنه درخت) به «قیل» نسبت داده است.

۴. دروس هم با این حکم موافق است و گفته که شیخ در این مسئله ادعای اجماع کرده است ولی فردی که درخت را برداشته ضامن است اگرچه گناه نکرده است.

۵. در این فتوی نباید مناقشه کرد و نباید گفت کسی موافق با این فتوی نیست [لا وجه للمنامشه له و لا وجه لقولهم...]. (چراکه دروس موافق است)

۶. و این فتوی قابل قبول است اگر می ترسیم که نفس محترمه زیر آن دیوار باشد و با فرد ریختن آن آسیب ببینید، چراکه جایز است مال غیر را برای حفظ نفس از بین برد. در این صورت از بین بردن منفعت اولی است و این اجماع مسلمین است.

۷. و مراد شیخ هم همین فرض است (و نه حالی که نفس محترمه زیر آن دیوار نیست) چراکه علتی که شیخ طوسی آورده است آن است که مراعات مصالح کلیه از رعایت مصالح جزئی اولی است.

۸. پس شیخ طوسی بدون جایی که حفظ نفس باشد، چنین فتوای نداده است.

۹. و عقل و نقل هم همین را می گوید.

ما می گوئیم:

۱. آنچه از این عبارت استفاده می شود آن است که «اگر حفظ نفس محترمه مستلزم تصرف در مال است، جایز است». روشن است که چون تصرف در مال غیر حرام است، دست برداشتن از یک حرام، فقط به خاطر یک واجب اهم ممکن است، پس معلوم می شود حفظ نفس محترمه واجب است و مصلحت اهم است. (و به همین سبب باید «جواز» را به معنی «جواز به معنی الاعم» که شامل وجوب شود، بدانیم)

۲. طبق فرمایش ایشان حفظ نفس دیگری واجب است (ولی مادون آن را اشاره ندارد) و برای این کار، می توان مرتکب حرام شد.



دین خارج خداوند سید حسن خمینی